



دکتر یدالله سعیدنیا

نقد روش‌های جاری آموزشی در مدارس

کلیدواژه‌ها: رقابت، انگیزه، نیاز.

مدارس امتیاز می‌یابند. رقابت به ابزار معلم برای کنترل و هدایت بچه‌ها تبدیل شده است. والدین بسیاری نیز مدرسه فرزندشان را ناکارآمد می‌دانند، زیرا مدرسه به زعم آن‌ها نتوانسته است در بچه‌ها رقابت ایجاد کند.

چرا رقابت این جایگاه را به‌دست آورده است؟
دیک (۲۰۰۱) می‌گوید، تقریباً زیربنای همه رفتارهای انسان تلاش برای ارضای یکی از نیازهایش است. براساس نظریه مازلو (۱۹۷۱) می‌توان دریافت که رقابت به دلیل ارتباط با کدام نیاز، به انگیزه (به معنای کلی آن) تبدیل شده است. احتمالاً موضوع به نیاز انسان به احساس ارزشمندی و محترم بودن مربوط می‌شود. مدارس برای دادن این احساس به بچه‌ها، ملاک جلوتر بودن آن‌ها را در درس و نمرات می‌گذارند و از هر طریق ممکن بر آتش این معرکه می‌دمند. متأسفانه آن‌ها این محرک را قوی و کارآمد یافته‌اند.

از آن‌جا که اساس ایجاد تغییر در نگاه سنتی، محرک‌ها هستند، استفاده از آن در این نظام مباح، لازم و مورد تأکید

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ما معلمان، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان است. زیرا فکر می‌کنیم که این امر می‌تواند تلاش و تکاپوی علمی را بین دانش‌آموزان زیاد کند. در نوشته زیر، این نگاه بررسی و نقد شده است.

در این شماره که آخرین شماره سال تحصیلی ۹۰-۸۹ قبل از شماره پایانی است که به جمع‌بندی اختصاص داده خواهد شد، می‌کوشیم آخرین نکاتی را که در اصول جاری آموزش و پرورش سنتی وجود دارد و در شماره اول ذکر شد، نقد کنیم.

یکی از اصول پررنگ در شیوه سنتی آموزش، استفاده از رقابت است. اکنون در نظام ما رقابت نه تنها به عنوان مؤثرترین انگیزه برای آموختن شناخته می‌شود، بلکه مدارس نام‌آورتر، با وسعت بخشیدن و نهادینه کردن رقابت، بر دیگر

رقابت‌هایی که کودکان را به شرکت در آن‌ها وامی داریم، برای اکثر آن‌ها احساس ناتوانی و درماندگی به ارمغان می‌آورد

متأسفانه رقابت به ابزار معلم برای کنترل و هدایت تبدیل شده است

است. اما سؤال این است که آیا جلوتر از دیگران بودن و برتر بودن، به واقع رفتاری است که احساس ارزشمندی و محترم بودن را ایجاد می‌کند یا این ارتباط به طور مصنوعی و با دخالت دیگران ایجاد می‌شود؟ از آن‌جا که بحث در این خصوص بسیار جدی است، پرداختن بیشتر به موضوع، خالی از فایده نخواهد بود.

اگر بتوان نشان داد که رقابت واقعاً ارضاکنده حس ارزشمندی است همان‌گونه که خوردن با سیر شدن تناسب ذاتی دارد در نگاه جدید به انسان هم رقابت مباح می‌شود. ولی اگر این ارتباط توسط محیط و با پاداش دادن بیرونی به رقابت و برنده شدن ایجاد می‌شود، استفاده از آن در نگاه جدید، دخالت در رشد طبیعی انسان‌ها محسوب می‌شود و دارای عوارض جانبی منفی خواهد بود. مازلو (۱۹۷۱) ارضای نیازهای اساسی را صرفاً به رفتارهایی که تناسب طبیعی و ذاتی با رفع آن نیاز دارند، واگذار می‌کند و تأکید دارد که ارتباط دادن رفتارهای نامتناسب با رفع نیاز به آن، واقعاً نیاز را رفع نمی‌کند و لذا به دلیل باقی ماندن نیاز در فرد، عوارض روانی برای او ایجاد می‌کند.

واضح است که احساس ارزشمندی در انسان‌ها ابتدا به نحوه واکنش دیگران به رفتار فرد بستگی دارد (زیرا بعد از مدتی این احساس درونی می‌شود. یعنی از واکنش خود فرد به رفتار خودش ایجاد می‌شود). بنابراین، در این نقطه از مسیر رشد، واکنش‌های مناسب دیگران برای رشد طبیعی کودکان اساسی است (مازلو، ۱۹۷۰). هر رفتار همراه با تلاش برای موفقیت، هر رفتار خلاقانه، هر رفتار مبتنی بر ارزش‌های انسانی، و بسیاری از دیگر رفتارها، می‌تواند واکنش تأیید، توجه و تحسین دیگران را برانگیزد و به نظر می‌رسد که همه این واکنش‌ها با ارضای نیاز به حس ارزشمندی فرد تناسب دارد. نمی‌توان منکر شد که گاهی کودکان به طور طبیعی به رقابت علاقه نشان می‌دهند. همین علاقه است که در بزرگسالان، آن‌ها را به میدان‌های رقابت ورزشی و اقتصادی و غیره می‌کشاند. این علاقه نیز می‌تواند به دلیل کسب حس ارزشمندی از برتر بودن از دیگران باشد. در این صورت، رقابت برای برخی، رفتار متناسبی برای کسب حس ارزشمندی خواهد شد. نکته کلیدی شاید این باشد که بسیاری از اوقات، خود فرد این راه را برای کسب احساس ارزشمندی بر نمی‌گزیند، ولی دیگران این ارتباط را برقرار و فرد را در

این مسیر ناخواسته قرار می‌دهند. این «دیگران» برای وادار کردن فرد برای شرکت در این رقابت، راه‌های دیگر کسب احساس ارزشمندی را می‌بندند. مثلاً به رفتارهای مثبت، سازنده و ارزشمند دیگر فرد توجه نمی‌کنند و تنها جلوتر بودن از دیگران را ملاک توجه به فرد قرار می‌دهند. در واقع، در عمل برتری و بردن در رقابت، غالباً کارکردی بیش از دادن حس ارزشمندی پیدا می‌کند. غالباً نیاز فرد را به محبت، تعلق، و حتی ایمنی روانی، مبتنی بر بردن در رقابت‌های مدرسه قرار می‌دهند. در حالی که واضح است، ارتباط این نیازها با رفتار بردن در رقابت کاملاً نامتناسب است.

حاصل این بحث می‌تواند این باشد که هرگاه فردی رقابت را با خواست خود برگزیند و بخواهد با بردن در رقابت با دیگران، احساس ارزشمندی کسب کند، رقابت به جایگاه خود بازگشته است. این نوع رقابت، رفتاری طبیعی و متناسب با رفع نیاز است. به همین دلیل، عوارض روانی ندارد. فردی که به خواست خود در رقابت ورزشی شرکت می‌کند، حتی اگر برنده نشود، احساس حقارت نمی‌کند. بسیاری از ورزشکاران، اساساً در برخی رقابت‌ها می‌دانند که اول نیستند، ولی گاهی راه یافتن به مسابقه، به آن‌ها حس ارزشمند بودن را داده است یا بهبود رکورد شخص، به آن‌ها حس کفایت می‌دهد. هر ورزشکار در میدان رقابت، رقابتی شخصی را با جمعی دنبال می‌کند که الزاماً همان افراد حاضر در میدان نیستند. مثلاً یک تیم دسته دوم، در مسابقه با یک تیم دست اول، از شکست یک بر صفر با افتخار یاد می‌کند. رمز این موضوع، در انتخابی بودن این رقابت‌هاست. اگر هر کس آزاد باشد که رقابتی را برگزیند، آن رقابت برای او در هر صورت می‌تواند عامل رشد باشد. اما اگر این رقابت اجباری و تنها راه به دست آوردن نیازهای اساسی انسان باشد، حداقل برای غیربرنده‌ها شکننده و عوارضی مانند احساس کمتری، ناتوانی، بی‌کفایتی و درماندگی خواهد داشت.

با این تحلیل، دلیلی که معمولاً برای آوردن رقابت به مدارس می‌آورند، و جهت خود را از دست می‌دهند، می‌گویند: «با تمرین رقابت در مدرسه، کودکان را برای رقابت در جامعه آماده می‌کنیم». اما همان‌گونه که در تحلیل بالا مشخص می‌شود، رقابت‌هایی که کودکان را به شرکت در آن‌ها وامی داریم، برای اکثر آن‌ها احساس ناتوانی و درماندگی به ارمغان می‌آورد. این رقابت‌های غیر انتخاب شده، حتی برای

برنده‌ها هم می‌تواند عوارضی داشته باشد. از آن‌جا که آن‌ها ناخواسته این رفتار را برای ارضای حس ارزشمندی انجام می‌دهند، در زندگی واقعی همواره به دنبال پشت سر گذاشتن دیگران برای کسب احترام هستند و با شکست‌های احتمالی بعدی، دچار سرخوردگی و احساس ناکامی می‌شوند.

اگر بتوان رقابت را از جنسی که مدارس ایجاد می‌کنند عمده‌تأثیر طبقه رقابت‌های مصنوعی و ناخواسته برای کودکان جا داد، قطعاً می‌توان آن را جزو انگیزه‌های بیرونی برشمرد. جنگ بین روان‌شناسان در مورد انگیزه‌های بیرونی و درونی سابقه زیادی دارد. در نگاهی که این نوشتارها به انسان دنبال می‌کنند، تأکید روی انگیزه‌های درونی است. تحقیقات بسیاری در مورد تأثیر و تأثر انگیزه‌های بیرونی و درونی روی انسان و رفتار وی انجام شده است که نتایج آن‌ها بر تأثیر تخریبی به کار بردن انگیزه‌های بیرونی بر انسان و کم‌رنگ کردن انگیزه‌های درونی تأکید دارند (نگاه کنید به امایل، ۱۹۹۳). البته کم نیستند روان‌شناسانی که هنوز به ضرورت استفاده از انگیزه‌های بیرونی تأکید دارند (برای مثال نگاه کنید به ریس، ۲۰۰۵).

به هر حال، با انتخاب نگاه این نوشتارها، رقابت‌های مدرسه‌ای عمده‌تأثیر از نوع انگیزه‌های بیرونی محسوب می‌شود و با نیازی که قرار است برآورده سازند، تناسبی ندارند. بنابراین، مدرسه‌ای که از نگاه جدید به انسان پیروی کند، کارهایی مانند زیر را نباید/باید انجام دهند:

● نباید بچه‌ها را براساس معدل رتبه‌بندی و آن‌ها را اعلام کنند.

● نباید به نفرات برتر درسی در صبحگاه جایزه دهند.

● نباید اسامی نفرات برتر را به دیوار بزنند.

● نباید مسابقات درسی و علمی همگانی بگذارند و به

نفرات برتر جایزه بدهند.

● نباید برای بردن به اردو، برنامه امتیازی درسی و

فوق برنامه درست کنند و نفرات برتر را ببرند.

● نباید فقط کارهای برتر هنری کلاس هنر را به دیوار بزنند

● نباید فقط به برترین قاریان در مسابقه همگانی قرآن-

جایزه بدهند.

● نباید نمرات بچه‌ها را به ترتیب از خوب به بد یا برعکس

در کلاس بخوانند.

● نباید ارزش‌یابی ۱ تا ۲۰ را که از نظر آماری هم اختلاف معناداری بین بیشتر آن‌ها نیست، در مدارس جاری کنند.

● نباید براساس سطح درسی بچه‌ها به آن‌ها احترام بگذارند

● نباید براساس سطح نمره بچه‌ها در مورد شخصیت آن‌ها قضاوت کنند.

● باید فضای مسابقه‌های گروهی بدون هیچ پاداش بیرونی را ایجاد کنند.

● باید امکان شرکت بچه‌ها را در رقابت‌های بیرونی، براساس خواست و انتخاب خودشان فراهم کنند.

● باید امکان فعالیت‌های متعدد علمی، ورزشی و هنری را بدون رقابت برای سلیقه‌های متفاوت ایجاد کنند.

● باید همه در مدرسه مورد احترام باشند و درس نخواندن و معدل پایین، امری شخصی تلقی شود که ارتباطی با شخصیت فرد ندارد.

● باید امکان ارائه کارهای فردی و گروهی بچه‌ها را در حوزه‌های گوناگون مورد علاقه آن‌ها، بدون رتبه‌بندی و ایجاد رقابت، در قالب نمایشگاه و سمینار و غیره فراهم کنند.

در اغلب مدارس پیشرفته دنیا، موارد فوق به صورت امری بدیهی و جاری در آمده است. در بازدید از این مدارس، هیچ اثری از کم‌دجویان، اعلام نفرات برتر، نظام امتیازی، رقابت‌های فردی، و فضای برتری‌طلبی و قضاوت براساس وضعیت درسی دیده نمی‌شود. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که اساساً رقابت در کار نیست، اما به جرئت می‌توان گفت، فضای حاکم و فرض‌های نانوشته فرهنگی جاری بین معلمان و مسئولان مدارس و حتی دانش‌آموزان، فضای رقابتی نیست.

منابع

1. Amabile, T.M. (1993). Motivational synergy: Toward New Conceptualizations of Intrinsic and Extrinsic Motivation in the Workplace. *Human Resource Management Review*, 3(3), 185-201.
2. Dick, B. (2001). Maslow Revisited: Maslow's Hierarchy of Needs Examined and Reformulated. [Electronic file]. Retrieved Jul. 08, 2007, from http://www.uq.net.au/~zzbdick/dlitt/DLitt_P02masrev.pdf.
- A discussion paper, originally written in the 1980s, revised 1990, 1993, this version, 2001.
3. Maslow, A. H. (1970). *Motivation and Personality* 2nd ed. New York: Harper & Row.
4. Maslow, A. H. (1971). *The Farther Reaches of Human Nature*. New York: The Viking Press
5. Reiss, S. (2005). Intrinsic Motivation Doesn't Exist, Researcher Says. Retrieved May. 12, 2007 from <http://www.physorg.com/news4126.html>.

آیا جلوتر از دیگران بودن و برتر بودن، به واقع رفتاری است که احساس ارزشمندی و محترم بودن را ایجاد می‌کند یا این ارتباط به طور مصنوعی و با دخالت دیگران ایجاد می‌شود

نبايد مسابقات درسی و علمی همگانی بگذارند و به نفرات برتر جایزه بدهند